

موانع ارث

پیرو مقاله نیکه در احوال شخصیت در شماره ۶۴ کانون وکلا نوشتم و مدتی ادامه آن بععلل زیاد و از جمله تأثر روحی فوت پدرم بعهدۀ تأخیر افتاد اینک در نتیجه تذکرشفاهی دانشمند ارجمند جناب آقای سیدهاشم وکیل و رئیس محترم کانون وکلای دادگستری با استعانت از پیشگاه حضرت احدیت بشرح آئی مطلبرا ادامه میدهد :

موضوع بحث مقاله قبلی بیان موانع ارث از جمله منع وضعی بود و همانطوریکه در مقدمه آن اشاره بحجب از لحاظ شخص یا اشخاص شد میتوان حجب را ضمن جزء موانع ارث شمرد چه آنکه معنی و مفهوم معنوی حجب منع است و در اصطلاح فقها هم ممنوعیت و ارث اعم از حرمانی یا نقصانی بواسطه وجود وارث دیگر از موروث میباشد پس در حقیقت حجب هم از موانع ارث است لذا شرع آنرا با اختلافاتی که بین مذاهب اسلامی در مسائل مربوط به حجب است بیان مینماید :

باید دانست که علاوه از مسئله مرقومه در مقاله قبلی امور دیگری نیز موقتاً از موانع ارث شمرده شده و آنها دارای انواعی بشرح زیر میباشد :

۱ - ادعای نسب از طرف بیشتر از یک نفر نیست شاکی که عموم مدعیان قرابت نسبی باوی نسبت بیک درجه مساوی را ادعا نشد و منکر ادعای همدیگر باشند در این صورت اگر مشارالیه که فکر این ادعا بوده قبل از روشن شدن ادعای مزبور فوت نماید ارث بردن هر یک از مدعیان از او موقوف میشود تا زمانیکه صدق ادعای یکی از آنها و کذب غیر از او بموجب حکم قطعی لازم الاجراء معلوم گردد بدیهی است این کیفیت که با اصطلاح فقها شک در نسب است موقتاً مانع ارث بردن و ارث میباشد .

۲ - مردن فرضی غائب مفقود الاثری است که مدت لازم از فقدان وی گذشته باشد و با فرض موت فرضی او وراثت بخواهند اموال او را تورث کنند . که در این صورت ولو در نفس الامر غایب مرقوم فوت کرده باشد مع الوصف وارث او تا موقعیکه بموجب حکم قطعی فوت فرضی غائب ثابت گردد از ارث بردن از او محرومند و سپس بشرح مرقوم مطابق قواعد مواریث ترک غائب متوفی بین آنانکه در تاریخ فوت او ارث بوده اند تقسیم خواهد شد کما اینکه این موضوع از ماده ۸۷۲ قانون مدنی ایران که متخذ از فقه مذهب جعفری است نیز پیش بینی شده و این کیفیت که در اصطلاح شرع اسلامی شک در وجود مقرر شده موقتاً مانع ارث بردن و ارث میباشد .

۳ - وراثت مسلم غائب مفقود الاثری است از متوفای حاضر که حیات و سمات غائب مرقوم مورد شک و تردید باشد که در این مورد اگر وارث متوفی فقط همان غائب

موانع ارث

مفقود الاثر باشد ترکه متوفی تا روشن شدن حیات و ممات غائب طبق حکم قطعی نگاهداری شود. و اگر غیر از غائب وارث دیگری داشت در اینصورت در تعیین سهم الارث غائب باید رعایت احتیاط معمول شود باینمعنی اگر نسب حاضر با غائب طوری باشد که با بودن غائب حاضر محسوب گردد بدیهی است نباید بحضراز ترکه سهمی داده شود تا موقعیکه ممات قطعی غائب طبق حکم قطعی مسلم شود و اگر کیفیت دیگری داشته باشد باین معنی مثلاً در مورد متوفائی که وارث او عبارت از برادر ابوینی (حاضر) وجد (حاضر) و برادر پدری (غائب) است چون برادر پدری اگر زنده باشد جد (یک سوم) میبرد باید برادر پدری زنده فرض و نصف هم به برادر ابوینی داده شود و بقیه تا روشن شدن و مسلم بودن مرگ یا زنده بودن برادر بی متوقف بماند تا در صورت زنده بودن او بقیه سهم به برادر ابوینی داده شود چون با بودن برادر ابوینی برادر ابی محجوب است و از جهت جمع شدن جد و تعدد اخوه جد (یک سوم) میبرد ولی از این تعدد فقط برادر ابوینی استفاده میکند و اگر فوت او مسلم شد چون جمع شدن جد و تعدد اخوه منتفی است جد هم عصبه محسوب و در اینصورت جد با برادر ابوینی بعنوان عصبه هر کدام نصف دارائی را میبرند پس باید نسبت بجد که زنده بودن غائب موجب تقلیل سهم الارث وی میشود زنده فرض و نسبت به برادر ابوینی که فوت غائب موجب تقلیل ارث او میشود مرده فرض کرد. و این کیفیت که در اصطلاح فقها شک در حیات و ممات وارث است تا روشن شدن آن بشرح مرقوم مانع ارث بردن وارث است و در سه مورد فوق اختلافی بین مذاهب اسلامی وجود ندارد.

بقیه دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی